

## تجدیدنظرطلبی در جایگاه زن: تجلی اندیشه مشروطه‌خواهانه اعتصام‌الملک در اشعار پروین اعتصامی

منیرالسادات میرهادی<sup>۱</sup>

**چکیده:** پروین اعتصامی از مشهورترین زنان شاعر معاصر ایران است؛ شاعری که در شعرهایش دغدغه‌های اجتماعی و نگاه نقادانه به جامعه‌اش را نشان داده است. از جمله این دغدغه‌ها، اعتقاد به ضرورت تحول در نقش و جایگاه زن ایرانی است. در این زمینه، او را باید فرزند زمان خویشتن دانست: دوران گذار از سنت به تجدد، از جامعه استبدادزده به ایران پسامشروطه. اشعار پروین در موضوع زن، تحت تأثیر اندیشه‌های مشروطه‌خواهانی است که ورود زنان به عرصه‌های اجتماعی را خواستار بودند. در میان این اندیشه‌ها، نگرش پدرش، میرزا یوسف آشتیانی (اعتصام‌الملک)، نقش مهمی در شکل‌گیری افکار پروین داشته است. آنچه در این مقاله آمده، تلاشی است برای نشان دادن این تأثیر است.

**واژه‌های کلیدی:** پروین اعتصامی، یوسف آشتیانی (اعتصام‌الملک)، مشروطه، جایگاه و نقش اجتماعی زنان

## Revising the Status of Women: The Effects of E'tesam al-Molk's Constitutionalist Thought on Parvin E'tesami's Poems

Monirolsadat Mirhadi<sup>1</sup>

**Abstract:** Parvin E'tesami (1907-1941) should be viewed as one of the poets of the transitional period of the Iranian history from the Constitutional Revolution to modern era. Although she spent twenty years of her life in Reza Shah's modernization time, but the deep effects of the Constitutional movement's ideals on her poems can be recognized; ideals like freedom and equality which were embodied in people's demands for the establishment of the court of justice, the rule of law, limiting the unlimited power of the rulers, and making them responsible to citizens. Among such demands, women's demand for changing their social roles and status should not be ignored. As it will be seen, in many places in E'tesami's poems, the idea of necessary changes in women's social status is recognizable. The thoughts of her father, Mirza Yousef E'tesam al-Molk, had great influences on the formation of Parvin's views, including her views on women's rights. These aspects are discussed in the present paper.

**Keywords:** Parvin E'tesami, Yusef Ashtiani (E'tesam al-Molk), the Constitutional movement, women's social roles and status

---

1 Graduate MA in the Women Studies moniramirhadi66@gmail.com

### طرح مسئله

ایران در اواخر دوره قاجار و همچنین در دوره پهلوی شاهد تغییرات عمده‌ای در عرصه‌های مختلف بوده است که ناشی از پیامدهای برخورد ایران سنتی با دنیای مدرن می‌باشد. آغاز تغییر در وضعیت اجتماعی و فرهنگی زنان نیز یکی از مسائل این دوره است. زن که در فرهنگ سنتی شهرنشینی ایرانی، تنها نقش اداره کننده امور خانه را داشت، در عرصه اجتماع که محل فعالیت‌های اقتصادی و تأمین معاش بود، بروز و ظهوری نداشت و در نتیجه به لحاظ اجتماعی و فرهنگی دچار ضعف و انحطاط شده بود. امر تعلیم و تربیت در جامعه ایران با مشکلات و عقب ماندگی‌های زیادی روبرو بود و بیشتر مردان از نعمت سواد محروم بودند، چه برسد به زن‌هایی که در فضای بسته خانه به سر می‌بردند و نسبت به مردان از امکانات اقتصادی و موقعیت‌های اجتماعی کمتری برخوردار بودند. اما در نتیجه ورود ایران به دوران تمدن مدرن و آغاز حرکت کشور به سوی مدرنیزاسیون، به تدریج نخبگان جامعه، نسبت به مسائل عمده جامعه ایران که باعث عقب افتادن ایران از قافله پیشرفت بود، آگاهی یافتند. یکی از عمده‌ترین مشکلات ایران، وضعیت ناگوار تعلیم و تربیت بود که رو به انحطاط نهاده بود. لذا تعدادی از نخبگان جامعه، شروع به روشنگری در زمینه لزوم ایجاد سیستمی جدید برای تعلیم و تربیت کردند که اعتصام‌الملک یکی از این دسته نخبگان بود که با ترجمه قسمتی از کتاب *تحریر المرأة* و نامگذاری آن با عنوان *تربیت زنان*، لزوم اهتمام جامعه به تعلیم و تربیت زنان را بیان کرد و خود در عرصه عمل با انتشار مجله *بهار* در گسترش معارف در جامعه همت گماشت و با تعلیم و تربیت دخترش، پروین اعتصامی، یکی از بزرگ‌ترین نخبگان زن تاریخ معاصر ایران را پرورش داد. مسئله اساسی این تحقیق، چگونگی تأثیر آرا و افکار اعتصام‌الملک بر اشعار و آثار پروین اعتصامی در زمینه بهبود منزلت و موقعیت زنان در جامعه سنتی رو به تغییر ایران است. جامعه‌ای که در زمان زندگی شاعر با تغییرات ظاهری زیادی روبرو شد.

### ادبیات تحقیق

در سال‌های اخیر، چند اثر در زمینه مشارکت زنان در مشروطیت منتشر شده است. کتاب بدرالملوک بامداد با عنوان *زنان ایرانی از انقلاب مشروطیت تا انقلاب سفید* و عبدالحسین ناهید با عنوان *زنان ایران در جنبش مشروطه* از معدود کتاب‌هایی است که در این زمینه به

طور مستقل منتشر شده است. در انقلاب مشروطه ایران اثر ژانته آفاری نیز فصلی به این موضوع پرداخته است. شاید بتوان ادعا کرد که کتاب جنبش حقوق زنان در ایران نوشته الیز ساناساریان از نادر کتاب‌هایی است که درباره جنبش حقوق زنان از دوره قاجار تا انقلاب اسلامی ایران نوشته شده و در بخش‌هایی از آن درباره تأثیر کتاب‌هایی که در آن زمان انتشار یافته نیز بحث شده است.<sup>۱</sup> با این همه، هنوز چند و چون توصیف وضعیت زنان در آن زمان و ترسیم شرایط وضعیت مطلوب و بازتاب آن در ادبیات اجتماعی آن دوره، نیازمند تتبع بیشتر در منابع دست اول مربوط به آن دوران است. کتاب تربیت نسوان اعتصام الملک، از جمله آثاری است که تاکنون مورد توجه جدی قرار نگرفته است، در حالی که انتشار آن، تأثیر به‌سزایی در گسترش و تعمیق اهداف جنبش زنان داشته است. چنانچه خواهیم دید، در جای جای اشعار پروین، اندیشه ضرورت تحول جایگاه اجتماعی زن ایرانی متجلی است و دیدگاه‌های میرزا یوسف خان اعتصام‌الملک (پدر پروین) درباره زن، تأثیر زیادی بر شکل‌گیری افکار پروین، از جمله در زمینه حقوق زن، داشته است. در این نوشتار به چگونگی این تأثیرگذاری خواهیم پرداخت.

بر این اساس، پرسشی که مطرح می‌شود این است که:

با توجه به وضعیت در حال تغییر جامعه ایرانی، افکار و آثار پروین اعتصامی در چه محورهایی، از آرا و افکار پدرش اعتصام‌الملک، تأثیر پذیرفت؟

با توجه به فضای بسته فرهنگی و اجتماعی در دوره پرورش پروین اعتصامی، اعتصام‌الملک خود به تعلیم و تربیت دخترش، همت گماشت و اندیشه‌های متعلق به تمدن مدرن نظیر آزادی، عدالت، مساوات، برابری زن و مرد و لزوم احقاق حقوق زنان را به همراه ادبیات کلاسیک فارسی و اخلاق به فرزندش آموخت و این امر سبب شد که پروین اعتصامی مضامین جدید و بدیع را به صورت شعر و در قالب مناظره میان عناصر متنازع و گاه متضاد جامعه سستی ایران بیان کند و مفهوم اشعارش بازتابی از آرا و افکار پدرش اعتصام‌الملک باشد.

### جایگاه و نقش زن ایرانی مقارن با دوره مشروطیت

بررسی اسناد تاریخی نشان می‌دهد که جامعه ایرانی پیش از جنبش مشروطه‌خواهی، نقش

۱ الیز ساناساریان (۱۳۸۴)، جنبش حقوق زنان در ایران، طغیان، افول و سرکوب از ۱۲۸۰ تا انقلاب ۵۷، ترجمه نوشین احمدی خراسانی، تهران: انتشارات اختران.

اجتماعی برای زنان قائل نبود و تلاش می‌شد زنان در خلوتخانه زندگی خصوصی، محصور بمانند. در رابطه با آموزش و پرورش دختران، به لحاظ دامنه فراگیری جمعیتی، یادگیری در میان زنان به شدت محدود بوده و معمولاً زنان طبقات بالاتر جامعه، مانند خاندان سلطنتی و اشراف بدان می‌پرداختند. گذشته از این، به لحاظ میزان یادگیری علوم، غالباً به یادگیری سواد خواندن و نوشتن در سطوح ابتدایی بسنده می‌شد. آموزش زنان نیز مانند مردان در مکتب‌خانه‌های سنتی که اغلب فاقد برنامه درسی، کادر آموزشی مناسب و امکانات لازم بود صورت می‌گرفت.

اگر چه ایرانیان با تمدن جدید غرب دست کم از دوره حاکمیت سلسله صفوی در تماس بودند، آشنایی گسترده‌تر و عمیق‌تر میان جامعه سراپا سنتی ایران و تجدد در حال توسعه غرب از اواسط دوره قاجاریه، به ویژه از زمان سلطنت ناصرالدین شاه، ابعاد گسترده‌تری یافت. استقرار سفرای کشورهای دیگر در ایران، تحولاتی که در امپراتوری عثمانی در همسایگی ایران سرعت می‌گرفت، اصلاحات و پیشرفت در ژاپن که به شکست روس‌ها (دشمن دیرین ایرانیان) انجامید و ده‌ها رخداد دیگر، ایرانیان را به مقایسه حال و روز خود و آسیب‌شناسی وضعیت اسفباری که بدان دچار بودند فرا می‌خواند. تحولات فکری و اصلاحات اداری که به ویژه در دوره صدارت امیرکبیر شکل گرفت و در دوره صدارت سپهسالار به صورتی دیگر پی گرفته شد، آگاهی بخشی گسترده‌ای که روزنامه‌های فارسی‌زبان چاپ داخل و خارج در نقد وضعیت کشور و معرفی پیشرفت‌ها و دگرگونی‌های کشورهای دیگر انجام می‌دادند، و تشکیل انجمن‌های سری که کسانی که دغدغه آینده کشور را داشتند در آن‌ها گرد هم می‌آمدند و به انتقاد از وضعیت حکومت و چاره‌جویی برای یافتن راه برون رفت از آن می‌پرداختند، راه را بر شکل‌گیری نهضت مشروطه خواهی هموار ساخت. فهرست مطالبات مردم که در رأس آن‌ها آزادی، استقلال، عدالت و پیشرفت بود به تدریج شکل گرفت. به منظور دستیابی به این مطالبات، هم به ضرورت انجام اصلاحات در ساختار حکومت توجه می‌شد و هم به لزوم تحول در سطح اجتماع. روی آوردن به نظام نوین آموزش و پرورش از جمله راهکارهایی بود که توسط مشروطه‌خواهان برای ارتقای سطح آگاهی عموم و آشنا ساختن آن‌ها با حقوق خود به عنوان شهروند به کار گرفته شد. اقشار مختلف از فرصت‌های اجتماعی که نهضت مشروطه خواهی فراهم ساخت برای دنبال کردن خواسته‌های خود استفاده کردند. زنان ایرانی، که تا آن روز وجودشان به خانه و کاشانه محدود بود، عرصه را برای ایجاد تحول در نقش و جایگاه اجتماعی خود مساعد

دیدند. زنان تحصیل کرده در این زمینه پیشتاز بودند. آنان با تشکیل انجمن‌ها، انتشار نشریه‌ها و تلاش برای تأسیس مدارس دخترانه‌ای که به سبک مدارس جدید اداره می‌شدند، نقش مهمی در تغییر الگوهای اجتماعی در رابطه با جایگاه و نقش زنان ایفا کردند. هر چند موانع و مشکلاتی که بر سراهشان بود، طی این طریق را با دشواری‌های بسیار همراه ساخت. مراودات رو به افزایش با دنیای متجدد و آگاهی از تحولاتی که در زمینه نقش زنان در جوامع دیگر رخ می‌داد، باعث شد خودآگاهی زنان در شناخت جایگاه واقعی به تدریج افزایش یابد. اگرچه زنان درباره این که شأن و منزلت حقیقی آنان چه باید باشد تصور روشنی نداشتند، اما در انتقاد نسبت به وضعیت خود در جامعه، آگاهی بیشتری به دست می‌آوردند. در رأس این گروه، زنان خاندان‌های وابسته به قدرت و ثروت بودند. تاج السلطنه دختر ناصرالدین شاه قاجار یکی از این دسته از زنان است که خود به علت بستگی به دستگاه سلطنت قاجار از موقعیت بالایی در جامعه برخوردار بود. وی در خاطرات خود به وضعیت زنان در جامعه ایران اعتراض می‌کند و با اظهار ناراحتی از اینکه مقام و موقعیت زنان به شدت تضعیف شده و عمرشان در فضای بسته خانه، تحت نامالییات سپری می‌شود، به موقعیت زنان در غرب اشاره می‌کند که با جدیت بسیار برای به دست آوردن حقوق سیاسی خود تلاش می‌کند.<sup>۱</sup>

وضعیت زنان و دختران در جامعه ایران با چنان آشفتگی و تنزلی روبرو بود که در زمان سلطنت مظفرالدین شاه، تعدادی از دختران قوچانی را در مقابل مقدار کمی مالیات گندم به ترکمن‌ها فروختند.<sup>۲</sup> در کرمان نیز در زمان حکومت آصف‌الدوله در سال ۱۳۱۵ هـ.ق گروهی از مردم کرمان برای آنکه بتوانند مالیات گزاف درخواستی حکومت را بپردازند، دخترهای خود را به قیمت دو تومان می‌فروختند.<sup>۳</sup>

با شکل‌گیری انقلاب مشروطه و باز شدن فضای سیاسی در جامعه، تعدادی از زنان دارای تحصیلات که به طبقه بالای اجتماعی تعلق داشتند، در پی فراهم کردن زمینه حضور زنان در جامعه و احقاق حقوق زنان برآمدند. آن‌ها درک خاصی از موقعیت اجتماعی و جایگاه زنان در جامعه ایرانی داشتند. از نظر آن‌ها زندگی زن ایرانی در محیط خانه سپری می‌شد، و از همین

۱ تاج السلطنه (۱۳۷۱)، *خاطرات*، به کوشش منصوره اتحادیه (نظام مافی)، تهران: نشر تاریخ ایران، صص ۹۸-۹۹.  
 ۲ احمدکسروی (۱۳۵۴)، *تاریخ مشروطه ایران*، تهران: انتشارات امیرکبیر، ص ۸۵. همچنین نک: افسانه نجم‌آبادی (۱۳۸۱)، *حکایت دختران قوچان (از یاد رفته‌های انقلاب مشروطیت)*، تهران: روشنگران و مطالعات زنان.  
 ۳ عبدالحسین سپهر (۱۳۶۸)، *مرات الوقایع مظفری و یادداشتهای ملک المورخین*، به کوشش عبدالحسین نوایی، تهران: زرین، ص ۱۷۵.

روی، زنان از شرایط جامعه اطلاع و آگاهی درستی نداشتند و به همین علت تمام منزلت و موقعیت زن در نگاه غالب زنان ایرانی، منحصر به جمال و آراستگی ظاهر بود. چنین زنانی به لحاظ زندگی فردی و در محیط خانواده از حقوق لازم برخوردار نبودند و زندگی خود را در جهل و بی سوادى سپری می کردند و «کفایت عقل» و «اصالت رأی» نداشتند. جامعه نیز برای زن نقشی در محیط خارج از خانه در نظر نمی گرفت و از لحاظ اقتصادی نیز زن را جزء افراد بیکار به حساب می آورد. از همین روی، زن در نگاه جامعه، لایق عنوان «ضعیفه» بود.<sup>۱</sup> زنان نیز به این نوع نگاه جامعه تن در داده بودند و مقام و منزلت اجتماعی برای خود قائل نبودند.<sup>۲</sup>

فعالان حقوق، تلاش خود را به نهادینه کردن امر تعلیم و تربیت زنان در جامعه معطوف کردند، تا زنان با کسب علم و معرفت به حقوق و تکالیف خود در محیط خانواده و جامعه آشنایی یابند و در راه احقاق حقوق فردی و اجتماعی شان تلاش کنند. به این ترتیب انجمن های زنان شکل گرفت و این انجمن ها شروع به تاسیس مدارس جدید دخترانه، کلاس های آموزش بزرگسالان و درمانگاه کردند. تمام این اقدامات بدون کمک مالی حکومت انجام می گرفت، چرا که ورود زنان به عرصه اجتماعی و تعلیم و تربیت آن ها، زمینه فعالیت سیاسی را برایشان فراهم می آورد و حکومت با دخالت زنان در امور سیاسی مخالف بود.<sup>۳</sup>

از سوی دیگر، مشارکت زنان در حرکت های اجتماعی مانند نهضت تحریم تنباکو، آنان را نسبت به توانمندی هایشان در ایفای نقش شهروندی خود آگاه کرد. این خود آگاهی از قدرت اجتماعی زنان، زمینه را برای ورود بیش تر و گسترده تر آنان به عرصه فعالیت اجتماعی فراهم ساخت. زنان در روزنامه هایی که توجه ویژه ای به مطالبات زنان داشتند در تهران و شهرستان ها (مابین سال های ۱۲۸۹-۱۳۰۷ ه.ش) یاد دانش (۱۲۸۹-۱۲۹۰ تهران)، شکوفه (۱۲۹۲-۱۲۹۵ تهران)، زبان زنان (۱۲۹۸-۱۳۰۱ اصفهان)، جهان زنان (۱۳۰۰ مشهد)، نامه بانوان (۱۲۹۹-۱۳۰۰ تهران)، بیک سعادت نسوان (۱۳۰۴-۱۳۰۷ رشت) و عالم نسوان (۱۲۹۹-۱۳۱۳ تهران)<sup>۴</sup> به طرح مطالبات خویش برای تحول جایگاه اجتماعی شان رو آوردند و به نگرش مردان

۱ محمدحسین خسروپناه (۱۳۸۱)، هدفها و مبارزه زن ایرانی از انقلاب مشروطه تا سلطنت پهلوی، تهران: پیام امروز، صص ۷۶-۷۷.

۲ نک: روزنامه شکوفه (۱۳۳۱ ه.ق)، ش ۶، ۹، ص ۲.

۳ ژانت آفاری (۱۳۷۹)، انقلاب مشروطه ایران، ترجمه رضا رضایی، تهران: بیستون، ص ۲۳۴.

۴ درباره نظری پژوهشی درباره مجله عالم نسوان نک: استفانی کرونین، رضا شاه و شکل گیری ایران نوین، ترجمه مرتضی ثاقب فر؛ یاسمین رستمکلائی (۱۳۸۷)، برنامه گسترده برای زنان ایران «نو»، تهران: نشر جامی.

روزگار خویش نسبت به زن، تاختند.<sup>۱</sup> در این زمینه همچنین نویسندگان زن، یا مردان طرفدار حقوق زنان به تألیف و ترجمه آثاری در این زمینه پرداختند. از جمله می‌توان به کتاب *معایب الرجال* بی‌بی خانم استرآبادی اشاره کرد که در پاسخ به کتاب *تأدیب النسوان* نگاهشت.<sup>۲</sup> این کتاب در دو بخش تنظیم شده است. بخش نخست پاسخ به کتاب *تأدیب النسوان* و بخش دوم به شرح زندگانی بی‌بی خانم اختصاص دارد. وی توضیح می‌دهد که منظور او از مردان در این کتاب، مردان با عقل و شعور و با کفایت در امور نیست.<sup>۳</sup> وی با طعنه و طنز از نگاه ابزاری مردان نسبت به زنان سخن می‌گوید.<sup>۴</sup> این قبیل اعتراض‌ها منحصر به کتاب *معایب الرجال* نبود. روزنامه‌های دوره مشروطه، گاه مقالاتی از زنان تحول خواه را منتشر می‌کردند از جمله این مقالات می‌توان به مقاله مدیر یکی از مدارس دخترانه اشاره کرد که به نگرش مردان نسبت به زنان انتقاد کرد و نوشت که زنان هرگاه به لحاظ فکری مستقل شوند و به اعتراض علیه دشمنان ملت بپردازند، با انتقاد مردانی روبرو می‌شوند که وظیفه زنان را تنها در خانه‌داری خلاصه می‌کنند و با ورود آن‌ها به عرصه‌های سیاسی و اجتماعی مخالفاند.<sup>۵</sup>

تأسیس مدارس دخترانه در دوره مقارن با جنبش مشروطیت با مخالفت‌های زیادی در تهران و شهرستان‌ها روبرو می‌شد و حتی این مخالفت‌ها مدارس را به تعطیلی می‌کشاند. اما فعالان زن به تلاش خود ادامه می‌دادند و طلب علم را طبق دستور اسلام برای هر مرد و زن مسلمانی واجب می‌شمردند.<sup>۶</sup> سرانجام با تصویب متمم قانون اساسی مشروطه؛ که تحصیل علوم،

۱ برای اطلاعات بیشتر درباره این تحركات در راستای گرفتن حقوق زنان در اجتماع از انقلاب مشروطیت تا پایان دوران پهلوی اول نک:

Afsaneh Najmabadi (1993), *Hazards of Modernity and Morality: Woman, State, and Ideology in Contemporary Iran*, in Albert Hourani, Philip S. Khoury and Mary Wilson, eds, *The Modern Middle East*, Berkeley and Los Angeles, Calif: University of California Press.

و افسانه نجم‌آبادی (با همکاری غلامرضا سلامی) (۱۳۸۴)، *نهضت نسوان شرق*، تهران: نشر شیرازه؛ ژانت آفاری (۱۳۷۷)، *انجمن‌های نیمه سری زنان در نهضت مشروطه*، ترجمه جواد یوسفیان، تهران: نشر بانو؛ معصومه خداداد لزرجانی (۱۳۸۶)، *نقش زنان در انقلاب مشروطه*، رشت: انتشارات ایلپا؛ کوماری جایواردنه (۱۳۷۷)، *مبارزات زنان در ایران*، ترجمه مه‌لقا کاشفی، جنس دوم (مجموعه مقالات)، به کوشش نوشین احمدی خراسانی، تهران: نشر توسعه؛ بدرالملوک بامداد (۱۳۴۷)، *زن ایرانی از انقلاب مشروطیت تا انقلاب سفید*، تهران: ابن‌سینا؛ پری شیخ الاسلامی (۱۳۵۱)، *زنان روزنامه نگار و اندیشمند ایران*، تهران: مؤلف.

۲ بی‌بی خانم استرآبادی (۱۳۱۲ق)، *معایب الرجال*، [بی‌جا]: [بی‌نا]، (نسخه چاپ سنگی)، صص ۳-۴.

۳ همان، ص ۴.

۴ همان، ص ۵.

۵ *روزنامه ایران نو* (۱۲۹۰)، «درباره مصائب زنان» ش ۱۰۲، ص ۳.

۶ *روزنامه مساوات* (۱۳۲۶ق)، «تظلم جماعت نسوان طهران به انجمن اتحادیه طلاب»، ش ۱۸، ص ۶.



صنایع و معارف را علی رغم مخالفت‌ها برای همه آزاد کرده بود؛ فضا برای بازگشایی مدارس دخترانه فراهم شد، اما هنوز مخالفت‌ها با مدارس دخترانه در سطح جامعه ادامه داشت.<sup>۱</sup> جنبش زنان و به ویژه انجمن‌های زنان پس از دوره استبداد صغیر از نفوذ و اثرگذاری بیشتری در سیاست برخوردار شدند. این انجمن‌ها به صورت نیمه مخفی و هماهنگ تحت نظر یک کمیته مرکزی عمل می‌کردند.<sup>۲</sup> اوج اثرگذاری این انجمن‌ها در تاریخ سیاسی مشروطه مربوط به زمان اولتیماتوم روسیه تزاری به ایران برای اخراج مورگان شوستر بود. در این واقعه، تعداد سیصد تن از زنان با حجاب و روبنده و مسلح، به مجلس رفتند و از نمایندگان مجلس خواستند تا در برابر فزون خواهی روس‌ها ایستادگی کنند.<sup>۳</sup> گروهی از متفکرین و آزادی‌خواهان ایرانی با احقاق حقوق زنان و ورود آن‌ها به عرصه اجتماعی موافقت و همراهی داشتند که یکی از سرشناس‌ترین آن‌ها میرزا یوسف اعتصام‌الملک آشتیانی است که با ترجمه قسمتی از کتاب *تحریر المرأة* قاسم امین مصری به فارسی و انتشار آن با عنوان *تربیت نسوان* گام موثری در راه ایجاد زمینه فکری تعلیم و تربیت زنان برداشت.

### اعتصام‌الملک و تربیت نسوان

یکی از آثاری که در آن زمان درباره ضرورت تحول جایگاه و نقش اجتماعی زن منتشر شد و مورد توجه مشروطه خواهان قرار گرفت، کتاب *تربیت نسوان* است. این کتاب، چند فصل از کتاب *تحریر المرأة* است که توسط میرزا یوسف مستوفی آشتیانی (اعتصام‌الملک) از عربی به فارسی ترجمه شده است. مجله *بهار* که نخستین اشعار پروین در آنجا انتشار یافت به مدیریت او منتشر می‌شد و در طی دو سال انتشار، مقام برجسته‌ای در بین مطبوعات ایران پیدا کرد. اعتصام‌الملک از پیشروان تجد نثر فارسی محسوب می‌شده و آنچه در این مجله و در مطبوعات دیگر به قلم وی انتشار یافته، وی را نویسنده‌ای پرمایه، با قریحه رماتیک، و با تبحر در زبان فارسی نشان می‌دهد. مندرجات مجله *بهار*، آشنایی وی را با نام و آثار تعدادی از نویسندگان اروپایی نشان می‌دهد.<sup>۴</sup>

۱ خسروپناه (۱۳۸۱)، همان، صص ۳۹-۴۰.

۲ مورگان شوستر (۱۳۵۱)، *اقتناق ایران*، ترجمه ابوالحسن موسوی شوشتری، به کوشش: فرامرز برزگر و اسماعیل رائین، تهران: صفی علیشاه، ص ۲۳۸.

۳ همان، ص ۲۴۱.

۴ عبدالحسین زرین‌کوب (۱۳۷۴)، «پروین، زنی مردانه در قلمرو شعر و عرفان»، تهران: دفتر *ایام*، علمی، ص ۵۵.

کتاب تربیت نسوان در سال ۱۳۱۸ ق ترجمه و در تبریز چاپ شد. اعتصام‌الملک در مقدمه، دانش و تربیت را باعث سعادت بشر می‌داند و به آثار متفکرین غربی و مصری می‌پردازد که بر لزوم تعلیم و تربیت زنان تأکید کرده‌اند. مهم‌ترین انگیزه اعتصام‌الملک برای ترجمه قسمتی از کتاب *تحریر المرأة*، فقدان کتابی به زبان فارسی در زمینه لزوم تعلیم و تربیت زنان بود.<sup>۱</sup>

نکته قابل توجه، تغییری است که میرزا یوسف در ترجمه عنوان کتاب صورت داده است. اگر قرار بر رعایت امانتداری در ترجمه باشد، عنوان فارسی کتاب می‌بایست «آزادسازی زن» می‌بود. اما می‌توان فهمید که با توجه به مخاطرات طرح ایده آزادی زنان در شرایط فرهنگی جامعه ایران آن زمان، مترجم مصلحت‌اندیشی کرده و نام کتاب را تربیت زنان گذاشته است. نکته دیگر، پرسشی است که در خصوص معیار گزینش فصول خاص از متن عربی برای ترجمه به فارسی است. جای آن دارد که اصل عربی کتاب یافت شود و با مقایسه آن با متن گزینش شده، بررسی شود که علل احتمالی این گزینش چه می‌توانسته باشد. به هر حال، کتاب در تبریز منتشر شد و در آن زمان دامنه اثرگذاری قابل توجهی داشت. به صورتی که طالبوف تبریزی پس از مطالعه این اثر با ستودن و ارج نهادن عمل اعتصام‌الملک، او را پایه‌گذار «عمارت بزرگ تمدن وطن» نامید. همچنین پیش‌بینی کرد که زنان در آینده در سخنرانی‌های خود از اعتصام‌الملک به نیکی یاد خواهند کرد.<sup>۲</sup> به همین علت است که دهخدا، اعتصام‌الملک را برپاکننده لوی آزادی و پرنده‌ای بامدادی می‌دانست که ندای بحث و ایقاز را بر بالین خفتگان سرداد تا جامعه را از خواب غفلت بیدار کند و به آنان یاد آوری کند که صبح نزدیک است.<sup>۳</sup>

کتاب تربیت نسوان در دو فصل نخست با عنوان «تربیت زن و ماهیت ایشان» به بحث درباره ضرورت ایجاد تحول در جوامع مسلمان می‌پردازد. در ابتدای این بحث، نویسنده مقام و منزلت زن و مرد را با هم یکسان معرفی می‌کند. از نظر نویسنده، مرد به علت آنکه در طول تاریخ تأمین معاش خانواده را برعهده داشت، توانست از نیروی بدنی و عقلی خود بهره بگیرد، در حالی که قدرت جسمی و ذهنی زن در اثر خانه‌نشینی دچار انحطاط شد.<sup>۴</sup>

۱ قاسم امین (۱۳۱۸ق)، *تربیت نسوان*، ترجمه میرزا یوسف مستوفی (آشتیانی)، تبریز: معارف، مقدمه.

۲ یحیی آربین‌پور (۱۳۸۷)، *تاریخ ادبی معاصر (از نیما تا روزگار ما)*، ج ۳، تهران: زوار، ص ۸.

۳ علی اکبر دهخدا (۱۳۲۱)، مقدمه مجله بهار، مجله بهار، ج ۱، تهران: ابوالفتح اعتصامی، صص ب-ج.

۴ امین، همان، ص ۱۵.

همان گونه که مشاهده می‌شود، نگاه نویسنده به عقب‌افتادگی زنان تحت تأثیر مکتب فلاسفه پیش از انقلاب فرانسه - (مانند کندرسه) - که با عنوان «فیلسوفان» شناخته می‌شدند - است که دامنه اثرگذاری آن بر روشنفکران جوامع شرقی آن زمان بسیار بوده است. این مکتب، در مقابل رومانیسم قد علم کرد و پیروان آن، بر خلاف رومانیست‌ها که قائل به تفکیک دو قلمرو مردانه (خارج از خانه) و زنانه (خانه) بودند و تمایزات روحی زنان و مردان را ذاتی می‌دانستند، معتقد بودند انسان‌ها ذاتاً برابرند و تفاوت‌های موجود ناشی از تفاوت‌های آموزشی است و این نابرابری‌ها از طریق آموزش و انتقال فضیلت و دانش از میان رفته و عقلانیت در زنان گسترش می‌یابد.<sup>۱</sup>

با این همه، اهمیت تربیت زن در نظر نویسندگان آن دوره، بیشتر به نقش او در خانه و خانواده باز می‌گردد، به شکلی که زن به کمک تعلیم و تربیت می‌توانست امور خانه را به خوبی اداره کند و علوم عقلی و ادبی را بیاموزد و از مبانی علوم و تعلیمات ابتدایی آگاهی یابد. تعلیم و تربیت زن می‌بایست به مقداری می‌بود که اعمال و رفتار او را پسندیده نماید.<sup>۲</sup> نویسنده، یادگیری علوم و تاریخ را برای زنان لازم می‌داند چرا که با این وسیله، زنان صاحب رأی و فکر صحیح شده، در دام خرافات و وهمیات نمی‌افتند.<sup>۳</sup> نگاه نویسنده به اهمیت آموزش زنان از توانمندسازی او برای اداره بهتر خانه فراتر رفته و به فراهم‌سازی زمینه برای کار و درآمد می‌رسد.<sup>۴</sup> آنگاه بحث می‌کند که یکی از دلایل عقب‌ماندگی ملل شرق این است که نیمی از جمعیت آن‌ها یعنی زنان، در فعالیتهای اقتصادی شرکت ندارند. افزون بر این، زنانی که دارای ثروتی هستند باید بتوانند از عهده مراقبت و بهره‌وری آن برآیند.<sup>۵</sup> اما شاید مهم‌ترین استدلالی که نویسنده برای ضرورت (بلکه وجوب) آموزش زنان می‌آورد، شناسایی آن به عنوان یک «حق طبیعی» است. بر این اساس هر انسانی حق دارد به بالاترین درجه استعداد برسد که تنها راه رسیدن انسان به این منزلت، آموختن فضل و دانش است.<sup>۶</sup>

۱ حمیرا مشیرزاده (۱۳۸۲)، مقدمه‌ای بر مطالعات زنان، تهران: وزارت علوم، تحقیقات و فناوری (دفتر برنامه‌ریزی اجتماعی و مطالعات فرهنگی)، صص ۳۲-۳۳.

۲ همان، ص ۱۷.

۳ امین، ص ۱۷.

۴ همان، ص ۱۹.

۵ همان، ص ۲۲.

۶ همان، ص ۲۳.

ضرورت تأسیس مدارس دخترانه، یکی از مباحث مهم در کتاب تربیت نسوان است. بر این اساس، نویسنده حتی از تساوی آموزش میان زن و مرد صرف نظر کرده و با تقاضایی حداقلی خواستار ایجاد مساوات در تعلیمات ابتدایی شده است.<sup>۱</sup> در اینجا نیز لحن محافظه کارانه نویسنده - (و شاید مترجم نیز) آشکار است چرا که هنوز فضای جامعه را برای طرح مسئله مساوات کامل برای تحصیل در همه مقاطع تحصیلی، مناسب نمی داند. فصل ششم کتاب با عنوان «در عدم توافق تعلیم و تربیت با فساد اخلاق»، به یک شبهه رایج در جامعه آن روز می پردازد و آن این که تصور می شد که تعلیم و تربیت زنان باعث شیوع فساد اخلاقی خواهد شد.<sup>۲</sup> یکی از استدلال های رایج آن زمان در طرح این شبهه این بوده که ممکن است زنانی که سواد خواندن و نوشتن دارند با نوشتن نامه ها و پیام های عاشقانه، باب روابط غیراخلاقی با مردان نامحرم را باز کنند. نویسنده، پاسخ می دهد که این امر منحصر به برخی زنان باسواد نیست و ممکن است تعدادی از زنان بی سواد نیز دچار فساد اخلاقی شوند.<sup>۳</sup> اعتصام الملک این سخن نویسنده را در پاورقی مورد تأیید قرار می دهد و از قول حکیمی می نویسد که دختر بی علم و دانش به مانند نهالی بی پاسبان دچار آسیب می شود. به عبارت دیگر نگهبان زنان، دانش آن هاست.<sup>۴</sup>

نویسنده در ادامه مباحث کتاب، به این نکته می پردازد که یکی از علل عقب افتادگی ملل شرق و موفقیت استعمارگران اروپایی در استثمار منابع و ثروت های طبیعی مسلمانان، اهمال جوامع مسلمان در تربیت مردان و زنان است. وی زنان را بزرگ ترین نیروی پنهان جامعه می داند. از نظر نویسنده پیشرفت و ترقی زنان در اروپا بیانگر آن است که زنان تنها برای بقای نسل بشر آفریده نشده اند و توانایی دارند تا به مقامات عالی برسند.<sup>۵</sup>

در فصل هشتم کتاب که عنوان آن «در زواج و معایب تعدد زوجات» است، نویسنده به یکی از آثار تعلیم و تربیت صحیح زنان، یعنی انتخاب همسر مناسب پرداخته است. خلاصه سخن نویسنده، این است که عشق همسری را نمی توان میان چند نفر به شراکت گذاشت و زن و مرد باید پیش از ازدواج، نسبت به یکدیگر شناخت کافی داشته باشند.

---

۱ همان، ص ۵۲.

۲ همان، ص ۵۴.

۳ همان، ص ۵۵.

۴ همان، ص ۵۷.

۵ همان، ص ۶۸.

باید در نظر داشت که طرح مسائلی از این قبیل در ایران آن روزگار، تحولی بزرگ بود که صدالبته با مخالفت بسیاری از اقدار سنتی مواجه شد به شکلی که دهخدا چاپ کتاب تربیت نسوان را در آن دوره، کاری شجاعانه توصیف می‌کند.<sup>۱</sup> به هر روی بیان این مسائل بر تلاش‌های بسیاری از فعالان جنبش زنان و همچنین پروین اعتصامی تأثیری به سزا برجای گذاشت.

اعتصام‌الملک پس از وقوع انقلاب مشروطه در دو دوره اقدام به چاپ مجله‌ پرمحتوایی به نام بهار کرد. وی در سرمقاله نخستین شماره از این مجله، هدف خود از انتشار بهار را آشنایی افکار عمومی با معلومات مفید عنوان کرد. این معلومات شامل مطالب مختلف و سودمند علمی، ادبی، اخلاقی، تاریخی، اقتصادی و فنون متنوع می‌شد.<sup>۲</sup> بخش مهمی از این مجله حاوی مطالبی مربوط به زنان بود و مقالات این بخش از مجله بهار را به نوعی می‌توان در امتداد مطالب بیان شده در کتاب تربیت نسوان دانست. تعدادی از این مقالات، ترجمه مقالات نویسندگان عرب و اروپایی بود و تعدادی از مقالات را نیز اعتصام‌الملک نوشته بود.

مجله بهار در مقاله‌ای با عنوان «زن در قرن بیستم» با اشاره به گرفتاری‌های بشر، جنگ‌ها، نابرابری‌ها و فقر در جهان، علت آن را جهالت نیمی از بشریت یعنی زنان ذکر می‌کند و به نقل از ویکتور هوگو (Victor Hugo) می‌نویسد که زن و مرد هیچ کدام به تنهایی انسان نیستند، بلکه هر دو باهم انسان هستند و انسان عبارت از هر دو جنس زن و مرد است. نویسنده، دورانی را که زن‌ها سختی‌ها و ستم‌های زیادی را تجربه می‌کردند و مردان تفاوتی میان زن و حیوانات قائل نبودند را «عصر وحشیت» نام‌گذاری می‌کند. در این «ادوار جهالت»، زن را جزء اثاث الیبت به حساب می‌آوردند و هر وقت که مرد، می‌خواست، آن‌ها را دور می‌انداخت، می‌فروخت و یا می‌بخشید. به تدریج زن را هم پایه کودک غیر ممیز قرار دادند. از نظر نویسنده، تاریخ زن، سرشار از تحقیر به وسیله عامه و حتی نخبگان جامعه است و با مثال آوردن از وضعیت ناگوار زنان در ادوار گذشته مغرب زمین از یونان باستان تا دوره شارلمانی، تأکید می‌کند که تاروزگار نگارش مقاله در مشرق زمین، زنان مورد ستم واقع می‌شوند، تا جایی که در هند گاه دختران را در معابد قربانی می‌کنند.<sup>۳</sup> نویسنده با اشاره به تعلیمات مسیح درباره لطف و عطوفت نسبت به زنان و دستورات دین اسلام که زنان را از مذلت‌رهای داد و

۱ دهخدا، همان، ص ۵.

۲ میرزا یوسف اعتصام‌الملک (۱۳۲۱)، مجله بهار، به کوشش ابوالفتح اعتصامی، ج ۱ و ۲، ج ۱، تهران: ابوالفتح اعتصامی، ص ۱.

۳ همان، ج ۲، صص ۲۹۷-۲۹۸.

اعراب جاهلی را از دخترکشی منع نمود، این دوره را زمان دستیابی زنان به موقعیتی در جامعه نام گذاری می کند. وی سپس با اشاره به نظرات پترارک (Petrarque)، دانته (Dante)، کورنی (Cornille) و شکسپیر (Shakspeare) آن ها را نویسندگان و شعرائی معرفی می کند که به تعریف و تمجید از زنان و صفات آن ها پرداخته اند. وی زن را موجودی آفریده از عواطف و احساسات معرفی می کند و با نمونه آوردن از فرهیختگان و دانشمندان زن، سخنان افرادی نظیر بوسوئه (Bossuet)؛ که زن را بی نصیب از فهم و ادراک و می دانند؛ را تفسیح و رد می کند.<sup>۱</sup>

اعتصام الملک در مقاله دیگری با عنوان «لزوم تربیت نسون» بر این نظر است که فرزند از زمان تولد تا هنگام بلوغ، بیش از همه در کنار مادر قرار دارد و همدم و همنشین مادر است، لذا اگر مادر در تعلیم و تربیت فرزند بکوشد و اصول اولیه زندگی و اخلاق را به او بیاموزد و در وجودش نهادینه کند، فرزند به موفقیت دست خواهد یافت و این امر ممکن نخواهد شد مگر آنکه مادر، خود تربیت شده و تعلیم یافته باشد.<sup>۲</sup> وی در مقاله دیگری با عنوان «اصلاح حقیقی» از قول ژول سیمون (Jules Simon) همین سخنان را تکرار می کند و می نویسد که اصلاحات تربیتی و اجتماعی بر اصلاحات سیاسی مقدم است و اساس اصلاحات تربیتی و اجتماعی، مبتنی بر تربیت در خانواده و مدرسه می باشد که اولی بر دومی تقدم و اولویت دارد. تربیت در خانواده نیز زمانی صحیح صورت خواهد گرفت که متصدی آن؛ که مادر است؛ تعلیم و تربیت یافته باشد.<sup>۳</sup> مقاله «اختراعات نسون» نیز بر نظر برابری عقلی زن و مرد اصرار می ورزد و برای اثبات آن از اختراعات زنان دانشمند نمونه می آورد.<sup>۴</sup>

مجله بهار در زمینه حقوق زنان نیز مطالب قابل توجهی دارد. مقاله ای با عنوان «موقع اجتماعی نسون در چین» به بیان موقعیت و منزلت پایین زنان در جامعه چین می پردازد. زنان در چین حق انتخاب همسر نداشتند و پدر و مادر، دختر را مجبور می کردند تا با هر فردی که خود صلاح می دانستند، ازدواج کند و پس از ازدواج نیز وظیفه زن منحصر به خانه داری و صرفه جویی بود. هنگامی که یک دختر در خانواده چینی متولد می شد، آن خانواده اندوهگین می شدند و حتی برخی از چینی ها نوزادان دختر خود را از خانه طرد می کردند.<sup>۵</sup>

۱ همان، ج ۲، صص ۲۹۸-۲۹۹.

۲ همان، ج ۱، ص ۴۳۵.

۳ همان، ج ۱، ص ۴۳۳.

۴ همان، ج ۱، ص ۱۷۲.

۵ همان، ج ۱، صص ۱۷۶-۱۷۷.

اعتصام الملک با توجه به فضای بسته اجتماعی و فرهنگی در اواخر دوره قاجاریه که انتقاد از نگرش جامعه نسبت به زنان با عکس العمل‌های متعصبانه‌ای روبرو می‌شد، با مثال آوردن از جامعه چین سعی داشت تا نگرش متعصبانه و تبعیض آمیز نسبت به زنان را مورد نقد و چالش قرار دهد و رد کند.

اعتصام الملک در مقاله دیگری با عنوان «حقوق نسوان» از اقدامات جنبش زنان در امریکا و اروپا برای به دست آوردن حقوق شان از جمله حق رأی زنان، خبر می‌دهد و چنین نتیجه می‌گیرد که نیروی زنان در پیشبرد خواسته‌هایشان در جامعه رو به فزونی نهاده است.<sup>۱</sup> مقاله «نسوان و خدمات عمومی» به نظرات دانشمندان و متفکرین غربی معاصر درباره زنان می‌پردازد که به این نتیجه رسیده بودند، که موقعیت و منزلت زنان در آینده رو به ترقی خواهد نهاد و می‌بایست از حقوق و خواسته‌های زنان پشتیبانی کرد. وی با اشاره به مقاله‌ای از روزنامه‌ای فرانسوی چنین نقل می‌کند که با توجه به حضور گسترده اقتصادی و اجتماعی زنان در جامعه اروپا و تلاشی که برای به دست آوردن حقوق زنان صورت می‌گیرد، ایجاد هر گونه مانع در برابر احقاق حقوق زنان بیهوده است.<sup>۲</sup>

اعتصام الملک با نگارش و ترجمه آثار مختلف بر لزوم تعلیم و تربیت زنان برای ایجاد جامعه‌ای پیشرفته و سعادت‌مند تأکید می‌کرد. او معتقد به احقاق حقوق زنان در عرصه‌های اجتماعی، فرهنگی و سیاسی بود و این امر بدون وجود مادرانی تحصیل کرده و تربیت یافته در جامعه محقق نمی‌شد. در نتیجه، اعتصام الملک در زمینه حقوق زنان، اولویت کار فرهنگی خود را بر آگاهی بخشی در مورد لزوم تعلیم و تربیت زنان قرار داد و خود نیز در عمل به تعلیم و تربیت تنها دخترش پروین اعتصامی همت گماشت.

### زندگی و زمانه پروین

پروین دختر اعتصام الملک، در ۲۵ اسفند سال ۱۲۸۵ ش، یعنی چند ماه پس از صدور فرمان مشروطیت، در تبریز چشم به جهان گشود. پروین در زمانی متولد شد که زنان با مشکلات اجتماعی و فرهنگی فراوانی روبرو بودند. دو ماه قبل از تولد او مقارن با روزی که مظفرالدین شاه قاجار، قانون اساسی مشروطه را امضا کرد، تقاضای یکی از فعالان حقوق زنان از مجلس

۱ همان، ج ۱، صص ۱۷۹-۱۸۰.

۲ همان، ص ۱۸۱.

جهت حمایت حکومت از تأسیس مدارس دخترانه، ردّ شد و در روزنامهٔ مجلس در جواب این تقاضا عنوان شد که می‌بایست تعلیم و تربیت زنان منحصر به خانه‌داری و امور خانواده شود و مجلس دخالت زنان را در امور اجتماعی و سیاسی لازم نمی‌داند.<sup>۱</sup> این درحالی بود که مخالفین مشروطه، مواضع سرسختانه‌تری نسبت به آموزش زنان و شرکت آن‌ها در فعالیت‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی داشتند. در سال ۱۲۹۱ ش، اعتصام‌الملک که مترجم و روزنامه‌نگاری روشنفکر بود، به سبب انتخاب شدن به عنوان نمایندهٔ دور دوم مجلس شورای ملی، عازم پایتخت شد و پروین که شش ساله بود، همراه با خانواده به تهران مهاجرت کرد. از آن پس، پروین در مجالس ادبی که با حضور ملک‌الشعراى بهار، علامه دهخدا، نصرالله تقوی، اقبال آشتیانی و سعید نفیسی در خانهٔ پدرش تشکیل می‌شد، شرکت می‌جست و از دانش و معلومات آن‌ها بهره می‌برد.<sup>۲</sup>

پدر پروین در پرورش ذوق و قریحهٔ شعری او بسیار مؤثر بود. وی مربی پروین اعتصامی بود و قطعات زیبا و لطیفی از کتب خارجی (فرنگی و ترکی و تازی) گرد می‌آورد و به فارسی ترجمه می‌کرد و پروین خردسال را تشویق می‌نمود تا این قطعات را به نظم در آورد.<sup>۳</sup> بدیهی است که زندگی در چنین محیط فرهنگی، در پرورش ذهن و روح پروین، تأثیری بسزا داشت. اعتصام‌الملک خود به آموزش دخترش همت گماشت و به او ادبیات فارسی و عربی را آموخت.<sup>۴</sup> و معلمینی برای آموزش او در خانه به استخدام در آورد. وی اشعار زیبای پروین را در مجلهٔ بهار منتشر می‌کرد. و نخستین شعر پروین با عنوان «ای مرغک» در شمارهٔ اردیبهشت، سال ۱۳۰۰ در مجلهٔ بهار منتشر شد.

تا ۱۲۹۰ ش، تنها دو آموزشگاه دخترانه در تهران وجود داشت که آمریکایی‌ها و فرانسوی‌های مقیم تهران دایر کرده بودند. البته باید به یاد داشت که پروین در تبریز در محیطی رشد کرده بود که بنیان‌گذاری و سپس تخریب مدرسهٔ «رشدیه» در آن تجربه شده بود. به هرحال، پس از مهاجرت به تهران، او در کالج آمریکایی‌ها مشغول تحصیل شد. خرداد سال ۱۳۰۳ ش از کالج آمریکایی فارغ‌التحصیل و در همان‌جا مشغول تدریس شد. سال بعد، از طرف

۱ روزنامهٔ مجلس (۱۲۸۵)، ش ۹۶، دی ۱۲۸۵، ص ۴.

۲ زرین‌کوب، همان، ص ۵۶.

۳ محمدتقی بهار (۱۳۲۲)، «سنخ دلان استعمار»، نوبهار، ش ۸۵، ص ۵۷.

۴ ابوالفتح اعتصامی (۱۳۵۳)، مجموعه مقالات و قطعات اشعار که به مناسبت درگذشت و نخستین سال وفات خانم پروین اعتصامی نوشته و سروده شده است، تهران: ابوالفتح اعتصامی، ص ۶.



حکومت به او پیشنهاد شد که به دربار وارد شود که با امتناع پروین مواجه گشت.<sup>۱</sup> در ۱۹ تیر ۱۳۱۳ش با پسرعموی پدرش، فضل‌الله آرتا که رئیس نظمیۀ کرمانشاه بود ازدواج و پس از چهار ماه همراه وی به آن شهر رفت، اما این ازدواج دیری نپایید و در بهمن ماه همان سال از او جدا و به منزل پدری بازگشت. او توانایی ادامه زندگی مورد دلخواه همسرش را نداشت.<sup>۲</sup> چرا که شوهر او نظامی و در استخدام حکومت رضاشاه بود، درحالی که پروین، یک ادیب و شاعر با روحیه‌ای حساس و انسانی بود و حاضر نبود به همکاری با دربار پهلوی بپردازد.

پس از آنکه پروین به منزل پدرش بازگشت، اعتصام الملک رضایت داد تا دیوان اشعار پروین اعتصامی به چاپ برسد، زیرا در آن دوره، انتشار اشعار دختری مجرد مورد تعییرات سوء بداندیشان واقع می‌شد که با ازدواج ناکام پروین اعتصامی این مانع نیز برطرف شده بود. چاپ اول *دیوان پروین* در ۱۳۱۴ش در تهران و با مقدمه ملک‌الشعرای بهار منتشر شد. اعتصام الملک در یادداشت‌هایی که از او برجای مانده است به تمجید از آرای فلسفی و کلمات اخلاقی و اسلوب شعر پروین اعتصامی پرداخت و امتیاز اشعار پروین را در دور بودن از تصنع لفظی و معنوی و بیان صریح عقاید شاعر دانست. اشعار پروین از نظر پدرش مولود ذهنی حساس و آزاد و طبعی مبتکر و مستقل بوده که از مدیحه‌سرایی، گریزان و از عزت نفس، سرشار است.<sup>۳</sup>

اعتصام الملک که خود فردی نیک نهاد، اصلاح طلب و دارای عزت نفس بود، با تعلیم و تربیت صحیح پروین اعتصامی، خصایل نیکوی خود را در وجود دخترش نهادینه کرد و بسیاری از آرا و افکار اعتصام الملک که در نشریه بهار در زمینه‌های تعلیم و تربیت، برقراری عدالت، ظلم ستیزی، اخلاق، مساوات و آزادی به رشته تحریر در آمده، به گونه‌ای زیبا و هنرمندانه در اشعار پروین اعتصامی متجلی شده است. هنگامی که دیوان اشعار پروین اعتصامی منتشر شد، مورد تمجید بزرگ‌ترین ادیبان و منتقدین ادبی آن دوره قرار گرفت. علامه قزوینی، پروین اعتصامی را «ملکه النساء الشواعر»، «خنساء عصر» و «رابعه دهر» نامید که قصایدش با قصاید ناصر خسرو برابری می‌کند و این نتیجه سال‌ها مجالست و تحصیل نزد بزرگان علم و ادب است.<sup>۴</sup>

۱ همان، ص ۷

۲ مهکامه محمص (۱۳۴۹)، «در کنار پروین اعتصامی و نیما یوشیج»، *روزنامه اطلاعات*، ش ۱۳۴۰۶، ص ۱۴.

۳ همان، ص ۱۴

۴ همان، صص ۱۹-۲۱.

پروین اعتصامی در دوم خرداد ۱۳۱۵ش به کتابداری کتابخانه دانشسرای عالی مشغول شد و در سال بعد، از آن شغل کناره‌گیری کرد. پروین اعتصامی در مدت خدمت، به عنوان کتابدار آرام و بدون تکبر به کار مشغول بود.<sup>۱</sup> و اندکی خود ستایی و برتری طلبی در او مشاهده نمی‌شد و با تأنی و وقار رفتار می‌کرد.<sup>۲</sup> پروین اعتصامی به الگوی دختران مستعدی تبدیل شده بود که می‌خواستند به عرصه ادبی و فرهنگی وارد شوند.<sup>۳</sup>

ظهور و بروز پروین اعتصامی به عنوان شاعری توانمند در عرصه فرهنگی کشور، مقارن با سلطنت رضاشاه پهلوی و دوره‌ای از دیکتاتوری سیاسی بود. هنگامی که دوره کشف حجاب آغاز شد و به دستور رضاشاه برداشتن حجاب اجباری گردید، پروین اعتصامی از جریان‌های مربوط به کانون بانوان و انجمن‌های زنان کناره‌گرفت، زیرا از محیط و اوضاع ناراضی بود و طبعی حساس داشت، در نهایت نیز از فعالیت در هیأت مدیره کانون بانوان، کناره‌گیری کرد.<sup>۴</sup> رضاشاه با دنباله‌روی از آتاتورک، تنها تغییرات را در جهتی پیش می‌برد که منجر به افزایش قدرت شخصی او شود. وی برای انجام تغییرات اجتماعی به زور متوسل شد. از نظر او تنها تغییراتی مهم بود که خانواده پهلوی را در محوریت طبقه حاکم جدید قرار دهد.<sup>۵</sup> وی در شرایطی اقدام به برداشتن اجباری حجاب از سر زنان ایران کرد که زنان با مشکلات بزرگ اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی مواجه بودند و در حوزه بهداشت و سلامت، گرفتاری‌های عدیده‌ای داشتند. حکومت به جای آنکه به رفع مشکلات عدیده زنان بپردازد و در بهبود کمی و کیفی وضعیت تعلیم و تربیت زنان بکوشد، به تغییر ظاهر اجباری زنان پرداخت. این کردار حکومت، به هیچ وجه باکرامت انسانی و آزادی زنان، سازگار نبود و مشکلات عدیده‌ای در سطح جامعه فراهم آورد. پروین اعتصامی نیز که با دیکتاتوری، زورگویی و بی‌عدالتی مخالف بود، نمی‌توانست با اقدامات و تغییرات ظاهری پهلوی اول همراه شود، لذا از امور اجتماعی و انجمن‌های زنان نیز کناره‌گرفت.

پدر پروین در ۱۲ دی ۱۳۱۶ش درگذشت. مرگ پدر به شدت در روحیه پروین اعتصامی اثر منفی بر جای نهاد.<sup>۶</sup> چهار سال بعد یعنی در سال ۱۳۲۰ش، پروین به بیماری

۱ سیمین دانشور (مهر ۱۳۷۴)، «پروین اعتصامی نوآور، زنانه و پاک»، کلک، ش ۶۷، ص ۷۹.

۲ سعید نفیسی (۱۳۲۳)، «پروین اعتصامی»، مجله پیام نو، ش ۲، ص ۹۹.

۳ سیمین بهبهانی (۱۳۷۸)، «چنگ این چنگی شیرینکار»، یاد بعضی نفرات، تهران: البرز، ص ۱۲۳.

۴ بدرالملوک بامداد (۱۳۴۷)، زنان ایرانی از انقلاب مشروطیت تا انقلاب سفید، تهران: ابن‌سینا، صص ۵۴-۵۵.

۵ الیز ساناساریان (۱۳۸۴)، همان، ص ۱۰۹.

۶ محصل، همان.

حصبه دچار شد و در اثر اهمال و اشتباه پزشکان، جان خود را از دست داد. مقبره پروین در صحن جدید حرم حضرت فاطمه‌ی معصومه<sup>(س)</sup> در قم و در کنار مزار پدرش قرار دارد. پروین را باید از شاعران دوره گذار از مشروطه به ایران نوین دانست. هرچند نزدیک به بیست سال از زندگی‌اش را در دوران نوین‌سازی رضاشاه گذرانده، اما تأثیر شگرف آرمان‌های مشروطه را می‌توان در جای‌جای اشعارش باز یافت؛ آرمان‌های آزادی‌خواهی و برابری‌طلبی که در مطالبه تاسیس عدالتخانه، حکومت قانون و مشروط نمودن قدرت بی حد و حصر به قانون و تمکین حاکمان غیر پاسخگو به اراده مردم تجلی یافت. از جمله این خواسته‌ها، تغییر و تحول نقش و جایگاه زنان در جامعه بود. تأثیر تحولات جامعه و به ویژه محیط اجتماعی پیرامون پروین اعتصامی در نگاهش به موضوع زن، انکارناپذیر و در آثار باقی‌مانده از او بس آشکار است.

### زن در آثار پروین

درست است که پروین اعتصامی را بیشتر به عنوان شاعر می‌شناسیم، اما دست‌نوشته‌های دیگر او، مانند نامه‌هایش به مه‌کامه محمص، نیز نشان از شخصیت و افکار او دارد. در خرداد ۱۳۰۳ش، در جشن فارغ‌التحصیلی از مدرسه «انائیه آمریکایی» (ایران بیت آل)، به رسم نظام آموزشی آن مدرسه، پروین مقاله‌ای ارائه کرد با عنوان «زن و تاریخ» که مروری بر آن، دیدگاه این دختر نوجوان در قبال وضعیت زنان در جامعه خویش را آشکار می‌کند. وی پس از اشاره به تحول عظیمی که در دنیای متجدد در شناخت تاریخ بشر به وجود آمده، به پیدایش علم آنتروپولوژی اشاره می‌کند. به راهنمایی این علم، بشر دریافت که مرد در طی دوران انتقال از دوره توحش به مدنیت در حق زن، ظلم‌های بسیاری روا داشته و زن را به موجودی پوچ و بی‌اراده تبدیل کرده است و سپس زن را به ضعف نفس و درک و انحطاط قوای معنوی متهم کرده است. ضعف فرهنگی و اجتماعی زنان، کار را به جایی رساند که فضایل اخلاقی در جامعه رو به زوال نهاد.<sup>۱</sup>

سپس پروین اعتصامی به تغییر وضعیت زنان در غرب در اثر تعلیم و تربیت اشاره می‌کند و می‌گوید که زن پس از قرن‌ها درماندگی به حقوق آموزشی و تربیتی خود رسید و به جایگاه واقعی‌اش نزدیک شد. در نتیجه اهمیت یافتن تعلیم و تربیت زنان، توانایی عقلی آن‌ها

۱ ابوالفتح اعتصامی، همان، صص ۲۳-۲۴.

پرورش یافت و زنان به تکالیف خود در جامعه و خانواده پی بردند و در تعلیم و تربیت فرزندانشان؛ که مردان آینده بودند؛ کوشیدند.<sup>۱</sup> سپس پروین به آنچه در مشرق زمین درباره زنان روی داده، اشاره می‌کند و می‌گوید که زنان در شرق، روزگاری تاریک، اندوهبار و همراه با رنج و مشقت و سرشار از مذلت و اسارت داشته‌اند. وی ناتوانی و شکست مردمان مشرق زمین را ناشی از بی‌توجهی، به تربیت زنان می‌داند، زیرا در اثر این بی‌توجهی زندگی نیمی از جمعیت مشرق زمین ضایع شد و مادران نادان، فرزندان بی‌دانش پرورش دادند که از تادیب و تهذیب، محروم بودند و لاجرم، اسباب تباهی و تیره روزی مشرق زمین را فراهم آوردند. پروین اعتصامی هم‌چنین به بیداری مشرق زمین در سدهٔ معاصر اشاره می‌کند و درمان تمام دردهای اجتماعی را منحصر به تعلیم و تربیت زن و مرد و تمام طبقات جامعه می‌داند و از نظر او، این تنها راه بازگشت ایران به عظمت پیشین خود است.<sup>۲</sup>

پیداست که در این مقاله، نگاه پروین به زن، در میانهٔ راه سنت و تجدد قرار دارد و به دنبال نشان دادن اهمیت نقش تربیتی زنان در ایجاد تحولات ضروری جامعه است. به بیان دیگر، و چنانچه در بسیاری از اشعار او نیز خواهیم دید، این نگاه، بازتاب هویت یک زن سنتی اصیل را بازگو می‌کند که پیش از این در تربیت نسوان نیز مشاهده کردیم. با این همه، عصیان پروین در مقابل جایگاه سنتی زن را در قطعه‌ای با عنوان «گنج عفت» با مطلع «زن در ایران پیش از این گویی که ایرانی نبود» می‌توان آشکارا مشاهده کرد. پروین در این شعر، وضع اسفبار زنان ایران را بیان کرده و توضیح می‌دهد که چگونه زنان در شرایط اجتماعی خفقان‌بار، قربانی گردیده و بدون فریادرسی باقی مانده بودند.<sup>۳</sup> او همچنان که در مقاله «زن و تاریخ» نیز آمد، راه‌حل نجات زنان ایرانی از این وضعیت را کسب علم و دانش می‌داند؛ ابزار رهایی‌بخشی که تا پیش از آن، از دسترس زنان به دور مانده بود. از نظر پروین حتی حفظ عفاف و پاکی و جایگاه والای زن نیز نیازمند آگاهی است.<sup>۴</sup>

شعر «فرشته انس» نیز نشان از مخالفت پروین با نابرابری زن و مرد، به ویژه در عرصهٔ

علم‌آموزی، دارد:

۱ همان، ص ۲۴.

۲ همان، صص ۲۵-۲۶.

۳ پروین اعتصامی (۱۳۲۰)، دیوان قصائد و مثنویات و مقطعات خانم پروین اعتصامی، تهران: ابوالفتح اعتصامی، ص ۲۳۲.

۴ همان، ص ۲۳۳.

به هیچ مبحث و دیباچه‌ای قضا ننوشت  
 زن از نخست بود رکن خانه هستی  
 برای مرد کمال و برای زن نقصان  
 که ساخت خانه بی‌پای بست و بی‌بنیان؟  
 و آنگاه، ضرورت برابری زن و مرد در کسب دانش را مطرح می‌کند:  
 چه زن چه مرد کسی شد بزرگ و کامروا  
 که داشت میوه‌ای از باغ علم در دامان  
 اما این‌جا نیز، نادیده گرفتن نقش تربیتی زن به عنوان مادر است که محور نگاه انتقادی پروین قرار می‌گیرد:

اگر فلاطن و سقراط بوده‌اند بزرگ  
 بزرگ بوده پرستار خردی ایشان  
 از نظر پروین در این شعر، مردان بزرگ در دامان مادران و پرستاران فرهیخته پرورش یافتند.<sup>۱</sup>  
 در شعر «نهال آرزو»، که برای جشن فارغ‌التحصیلی از کالج آمریکایی سروده است، پروین از زنان می‌خواهد که با علم‌آموزی، حقوق از دست رفته خویش را به دست آورند. طرح این که آموزش و پرورش زنان، یک «حق» است نسبت به تمامی استدلال‌هایی که برای توجیه ضرورت تحصیل دختران در آن زمان مطرح می‌شد، پیشروتر است؛ نکته‌ای که چنانچه دیدیم در کتاب تربیت نسوان آمده بود. بنابراین، کسب دانش برای زنان، به عنوان یک حق، هدف است و به عنوان راه رسیدن به حقوق خود، وسیله:

پستی نسوان ایران، جمله از بی دانشی است  
 مرد یا زن، برتری و رتبت از دانستن است  
 به که هر دختر بداند قدر علم آموختن  
 تا نگوید کس پسر هشیار و دختر کودن است  
 از چه نسوان از حقوق خویشتن بی بهره‌اند؟  
 نام این قوم از چه دور افتاده از هر دفتری؟  
 دامن مادر، نخست آموزگار کودک است  
 طفل دانشور کجا پرورده نادان مادری؟<sup>۲</sup>  
 پروین، این توجه و محور بودن نقش تربیتی زن را در شعر «حدیث مهر»، بیان می‌کند:

گفتا حدیث مهر بیاموزدت جهان  
 روزی تو هم شوی چو من ای دوست، مادری  
 گرد توجون که پر شود از کودکان خرد  
 جز کار مادران نکنی کار دیگری  
 وی با وصف وظایف و دل‌نگرانی‌های مادر بودن، سرانجام نتیجه می‌گیرد که برای مادر، هیچ زحمت و وظیفه‌ای شیرین‌تر و فرخنده‌تر از پرورش فرزند نیست.<sup>۳</sup>

اشعار پروین دربارهٔ زن، آیینۀ تمام‌نمای شرایط روزگار اوست: زن ایرانی، به عنوان عضو

۲ همان، ص ۶۹.

۱ همان، صص ۲۶۱-۲۶۲.

۲ همان، صص ۱۲۴-۱۲۵.

جامعه‌ای که در میانه سنت و تجدد قرار دارد، به دنبال یافتن جایگاه و کارکرد بایسته خویش در جامعه است. از یک سوی بر احقاق حقوق خود بر فاصله گرفتن از وضعیت تحقیرآمیزی که بر او تحمیل شده و نادیده انگاشته نشدن خویش اصرار می‌ورزد، و از سوی دیگر، عرصه وجودی خود و جولانگاه تلاش خود را در همسری خوب بودن، مادری خوب بودن، و شریکی مهم و قابل اعتماد و تکیه بودن جستجو می‌کند. زن ایرانی در شرایط گذار، می‌خواهد «دیده» شود و این خواست، بازتاب خودآگاهی است که در جریان نهضت مشروطه‌خواهی پدیدار شد. پروین اعتصامی با توجه به فضای بسته اجتماعی و سیاسی دوره سلطنت رضا شاه برای بیان انتقادات و مخالفت‌های خود با آنچه که در جامعه می‌گذشت، شیوه خاصی ابداع کرد. او جهانی افسانه‌ای آفرید که در آن عناصر در حال مناظره با یکدیگر، نماد عوامل متنازع اخلاقی، اجتماعی و سیاسی و زبان حال طبقات ضعیف جامعه ایران بودند.<sup>۱</sup> وی با قرار دادن زبردستان متنعم در برابر فرودستان گرفتار، رنج و درد محرومان جامعه به ویژه پیرزنان، بیوه زنان و یتیمان را به تصویر کشید. شعر «قطره خون» این تفاوت و نابرابری اجتماعی را بیان می‌کند و نمونه‌ای از انتقادهای شاعر نسبت به شرایط اجتماعی است.<sup>۲</sup>

پروین در شعر مناظره‌ای خود از سیاق شعر اساتید قدیم شعر ایران بهره گرفته است، ولی شیوه برداشت مطالب و بیان افکار و عواطف او نو و ابتکاری می‌باشد.<sup>۳</sup> حتی اشعار پروین اعتصامی به لحاظ محتوایی نیز با اشعار زنان شاعر دوره معاصر متفاوت است و در آن اثری از ابراز احساسات زنانه دیده نمی‌شود، به شکلی که او تنها در سه مورد ازدواج، مرثیه برای پدر و قطعه‌ای برای سنگ مزارش از خود سخن گفته است.<sup>۴</sup> وی به دور از هرگونه خواهش نفسانی و تبلیغ مرام و مسلکی خاص، به مبلغ افکار جدید، مبدل شده است و از شعر خود برای فراهم آوردن زمینه فکری اصلاحات اخلاقی و اجتماعی بهره می‌گیرد.<sup>۵</sup> این امر، نتیجه مقتضیات دوره زندگی شاعر و محیط پرورش او می‌باشد.<sup>۶</sup> پروین فرزند زمان خویشتن بود و

۱ عبدالرحیم ذاکر حسین (۱۳۷۷)، *ادبیات سیاسی ایران در عصر مشروطیت*، ج ۲، تهران: انتشارات علم، ص ۷۲.

۲ همان، ص ۸۸.

۳ عبدالحمید خلخالی (۱۳۳۳)، *تذکره شعرای معاصر ایران*، ج ۱، تهران: انتشارات طهوری، ص ۶۶.

۴ مهرداد برومند (۱۳۷۶)، «پروین و دیگر شاعران زن»، *یادمان پروین*، به کوشش سید محمود طباطبایی اردکانی، تهران: دانشگاه علامه طباطبایی، ص ۲۰.

۵ یحیی آرین‌پور، همان، ج ۳، صص ۵۴۰-۵۴۱.

۶ غلامحسین یوسفی (۱۳۷۶)، *چشمه روشن*، تهران: علمی، صص ۴۱۴-۴۱۵.

تأثیرپذیری او از گفتمان رایج دورانش را باید بیش‌تر اثرپذیری از آثار و افکار پدرش، یوسف اعتصام‌الملک دانست، که نقش اصلی را در پرورش پروین اعتصامی و فراهم کردن زمینه شکوفایی استعداد او فراهم ساخت.

### نتیجه‌گیری

جایگاه و نقش زن ایرانی در دوران پس از نهضت مشروطه‌خواهی در مسیر تحول قرار گرفت. روشنفکران مشروطه‌خواه، خواهان ورود زنان به عرصه‌های اجتماعی بودند و در این زمینه، نوشته‌های مهمی منتشر کردند. کتاب تربیت نسوان به ترجمه میرزا یوسف مستوفی آشتیانی (اعتصام‌الملک) پدر پروین اعتصامی، یکی از تأثیرگذارترین و پیشروترین آثار در موضوع تحول جایگاه زن در آن دوره به شمار می‌رود. تأثیر این کتاب و دیگر افکار اعتصام‌الملک در آثار منتور و منظوم دخترش پروین، متجلی است. مهم‌ترین محورهای این اثرگذاری عبارت است از:

آگاه‌سازی زنان ایرانی از وضعیت رو به بهبود زنان در کشورهای دیگر  
انتقاد از وضعیت اسفبار زنان ایرانی و دور ماندن آنها از زندگی اجتماعی  
بی‌بهره شدن جامعه از نیمی از نیروی کار زنان  
ضرورت تحصیل دختران و سوادآموزی زنان جهت ایفای بهتر نقش اجتماعی خود  
بی‌تردید، اشعار پروین اعتصامی در گسترش آگاهی‌های زنان دوران خویش، اثری برجای ماندنی داشت و نقش پدر فرهیخته او در دعوت پروین به این راه، انکارناپذیر است. اشعار پروین اعتصامی تجلی افکار بدیع و مصلحانه پدرش اعتصام‌الملک آشتیانی بود.

### منابع و مآخذ

- آرین پور، یحیی (۱۳۸۷)، تاریخ ادبی معاصر (از نیما تا روزگار ما)، ج ۳، تهران: انتشارات زوار.
- آفاری، ژانت (۱۳۷۹)، انقلاب مشروطه ایران، ترجمه رضا رضایی، تهران: انتشارات بیستون.
- ----- (۱۳۷۷)، انجمن نیمه سری زنان در نهضت مشروطه، ترجمه جواد یوسفیان، تهران: نشر بانو.
- استفانی، کرونین (۱۳۷۸)، رضا شاه و شکل‌گیری ایران نوین، ترجمه مرتضی ثاقب فر، مقاله برنامه‌گسترده برای زنان ایران «نو»، یاسمین رستم‌کلایی، تهران: نشر جامی.
- استرآبادی، بی بی خانم (۱۳۱۲ق)، معایب الرجال، [بی‌جا]: [بی‌نا]: (نسخه چاپ سنگی).
- اعتصام‌الملک، میرزا یوسف (۱۳۲۱)، مجله بهار، ج ۲، به کوشش ابوالفتح اعتصامی، تهران: ابوالفتح اعتصامی.

- اعتصامی، ابوالفتح (۱۳۷۰)، «پاسخ ابوالفتح اعتصامی به پرویز نقیعی»، یادمان پروین اعتصامی، به کوشش علی دهباشی، تهران: دنیای مادر.
- (۱۳۵۳)، مجموعه مقالات و قطعات اشعار که به مناسبت درگذشت و نخستین سال وفات خانم پروین اعتصامی نوشته و سروده شده است، تهران: ابوالفتح اعتصامی.
- اعتصامی، پروین (۱۳۲۰)، دیوان قصائد و مثنویات و مقطعات خانم پروین اعتصامی، تهران: ابوالفتح اعتصامی.
- امین، قاسم (۱۳۱۸ق)، تربیت نسوان، ترجمه میرزا یوسف مستوفی (آشتیانی)، تبریز: معارف.
- بامداد، بدرالملوک (۱۳۴۷)، زنان ایرانی از انقلاب مشروطیت تا انقلاب سفید، تهران: ابن سینا.
- (۱۳۴۷)، زن ایرانی از انقلاب مشروطیت تا انقلاب سفید، تهران: ابن سینا.
- برومند، مهرداد (۱۳۷۶)، «پروین و دیگر شاعران زن»، یادمان پروین، به کوشش سید محمود طباطبایی اردکانی، تهران: دانشگاه علامه طباطبایی.
- بهار، محمدتقی (۱۳۲۲)، «سنخ دلان استعمار»، نوبهار، ش ۸۵.
- بهبهانی، سیمین (۱۳۷۸)، «جنگ این چنگی شیرینکار»، یاد بعضی نقرات، تهران: البرز.
- تاج السلطنه (۱۳۷۱)، خاطرات، به کوشش منصوره اتحادیه (نظام مافی)، تهران: نشر تاریخ ایران.
- خداداد لزرجانی (۱۳۸۶)، معصومه، نقش زنان در انقلاب مشروطه، رشت: انتشارات ایلیا.
- خسروپناه، محمدحسین (۱۳۸۱)، هدفها و مبارزه زن ایرانی از انقلاب مشروطه تا سلطنت پهلوی، تهران: پیام امروز.
- خلخال، عبدالحمید (۱۳۳۳)، تذکره شعرای معاصر ایران، ج ۱، تهران: طهوری.
- دانشور، سیمین (مهر ۱۳۷۴)، «پروین اعتصامی نوآور، زنانه و پاک»، کلک، ش ۶۷.
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۲۱)، مقدمه مجله بهار، مجله بهار، ج ۱، تهران: ابوالفتح اعتصامی.
- ذاکر حسین، عبدالرحیم (۱۳۷۷)، ادبیات سیاسی ایران در عصر مشروطیت، ج ۲، تهران: انتشارات علم.
- روزنامه ایران نو (۱۳۹۰)، «درباره مصائب زنان»، ش ۱۰۲.
- روزنامه شکوفه (۱۳۳۱هـ.ق)، ش ۶.
- روزنامه مجلس (۱۳۱۵)، ش ۶.
- روزنامه مساوات (۱۳۲۶هـ.ق)، «تظلم جماعت نسوان طهران به انجمن اتحادیه طلاب»، ش ۱۸.
- زرین کوب، عبدالحسین (۱۳۷۴)، «پروین، زنی مردانه در قلمرو شعر و عرفان»، دفتر ایام، تهران: علمی.
- سانساریان، الیز (۱۳۸۴)، جنبش حقوق زنان در ایران، طغیان، افول و سرکوب از ۱۳۸۰ تا انقلاب ۵۷، ترجمه نوشین احمدی خراسانی، تهران: اختران.
- سپهر، عبدالحسین (۱۳۶۸)، مرآت الوقایع مظفری و یادداشت‌های ملک المورخین، به کوشش عبدالحسین نوایی، تهران: زرین.
- شوستر، مورگان (۱۳۵۱)، اختناق ایران، ترجمه ابوالحسن موسوی شوشتری، به کوشش فرامرز برزگر و اسماعیل رائین، تهران: صفی علیشاه



- شیخ الاسلامی، پری (۱۳۵۱)، *زنان روزنامه‌نگار و اندیشمندان ایران*، تهران: مؤلف.
- کسروی، احمد (۱۳۵۴)، *تاریخ مشروطه ایران*، تهران: انتشارات امیر کبیر.
- کوماری جایاردنه (۱۳۷۷)، *مبارزات زنان در ایران*، ترجمه مه‌لقا کاشفی، جنس دوم (مجموعه مقالات)، به کوشش نوشین احمدی خراسانی، تهران: نشر توسعه.
- محمصص، مه‌کامه (۱۳۴۹)، «در کنار پروین اعتصامی و نیما یوشیج»، *روزنامه اطلاعات*، ش ۱۳۴۰۶.
- مشیرزاده، حمیرا (۱۳۸۳)، *مقدمه‌ای بر مطالعات زنان*، تهران: وزارت علوم، تحقیقات و فناوری (دفتر برنامه‌ریزی اجتماعی و مطالعات فرهنگی).
- نفیسی، سعید (۱۳۲۳)، «پروین اعتصامی»، *مجله پیام نو*، ش ۲.
- نجم آبادی، افسانه (۱۳۸۱)، *حکایت دختران قوچان (از یاد رفته‌های انقلاب مشروطیت)*، تهران: روشنگران و مطالعات زنان.
- یوسفی، غلامحسین (۱۳۷۶)، *چشمه روشن*، تهران: علمی.
- Afsaneh Najmabadi (1993), *Hazards of Modernity and Morality: Woman State, and Ideology in Contemporary Iran*, in Albert Hourani, Philip S. Khoury and Mary Wilson, eds, *The Modern Midel East*, Berkeley and Los Angeles, Calif : University of California Press.





پروفیسر شگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی  
پرتال جامع علوم انسانی